

علی بی‌نیاز^۱

نگاهی به پناهندگان افغانی مقیم ایران از منظر صادرات خدمات فنی و مهندسی و نیازهای بازسازی افغانستان

چکیده

نوشتار حاضر با تجزیه و تحلیل انتظارات متقابل بازیگران عمده حاضر در صحنه افغانستان می‌کوشد تا نشان دهد که به نفع جمهوری اسلامی ایران است که با اتخاذ موضعی مثبت و به لحاظ تخصصی‌گزینی در قبال پناهجویان افغانی، سعی نماید شرایطی فراهم آورد که دانش‌آموختگان افغانی مقیم ایران در پرتو برخورداری از نظام انگیزش‌های معنوی و اقتصادی پیشنهادی نه تنها به عنوان پلی بین دو جامعه ایران و افغانستان با نیت کمک به درهم‌تنیدگی اقتصادی و اجتماعی دو کشور عمل نمایند بلکه مجرای کمک‌های توسعه‌ای ایران به افغانستان باشند. این راهبرد به اقتضای آنچه می‌توان آن را دکترین تعامل سازنده جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی با همسایگان نامید، قادر خواهد بود علاوه بر کاهش تنش در افغانستان، کمک قابل‌توجهی را هم به صدور خدمات فنی و مهندسی و روند بازسازی این کشور انجام دهد.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، صدور خدمات فنی و مهندسی، مهاجرین افغانی، دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی، مناقشه ایران و آمریکا.

۱. دکتر علی بی‌نیاز، دکترای علوم اقتصادی و مدیر گروه مطالعات اقتصاد بین‌الملل و انرژی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

مقدمه

مقامات افغانی در مذاکرات خود با مقامات جمهوری اسلامی ایران در دو سال اخیر (به عنوان مثال در ملاقات ۲۰ فروردین ۱۳۶۸ دادفر اسپینتا وزیر خارجه افغانستان با وزیر خارجه ایران) همواره خواستار آن بوده‌اند که دولت جمهوری اسلامی ایران به‌رغم مشکلاتی که ممکن است ادامه حضور پناهندگان افغانی از نظر از بین بردن فرصت‌های شغلی بومی در پی داشته باشد، اجازه دهند تا تعداد بیشتری از آنان از موهبت زندگی در ایران برخوردار باشند.^(۱)

این نوشتار با نیم‌نگاهی به موضع دولت آمریکا نسبت به حضور و فعالیت جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و بررسی ضرورت بازبینی سیاست خارجی دولت افغانستان در قبال همسایه غربی خود و نیاز کشورمان به صدور خدمات فنی و مهندسی مازاد به خارج از کشور، همراهی با دولت افغانستان در امر بازسازی اقتصادی و اجتماعی این کشور و ضرورت حل مشکل ناشی از ادامه سکونت پناهجویان افغانی در ایران، در پی آنست تا به کمک تحلیل انتظارات متقابل بازیگران^(۲) مؤثر در صحنه افغانستان، نشان دهد که مناسب است جمهوری اسلامی ایران از پناهجویان افغانی و بویژه تحصیل‌کردگان آنان در جمهوری اسلامی ایران در راستای افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری خود با افغانستان، همچنین ارتقای تز تعامل سازنده خود در سیاست خارجی بهره جوید.

به این ترتیب نوشتار حاضر در قسمت دوم، مفهوم دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی را توضیح می‌دهد. سپس در بخش سوم نگاه آمریکا در قبال فعالیت و نفوذ معنوی ایران در افغانستان را به بحث می‌گذارد. در قسمت چهارم سیاست خارجی دولت افغانستان را مورد نقد قرار داده و خطرات امنیتی و اقتصادی ناشی از ترک احتمالی صحنه افغانستان توسط قدرت‌های بزرگ را برای آن کشور و حتی برای کشور همسایه ایران بررسی می‌نماید. در قسمت پنجم نیاز جمهوری اسلامی ایران به افزایش صادرات خدمات فنی و مهندسی و ارتقای تعامل سازنده خود با قدرت‌های غربی مقیم افغانستان را بیان می‌نماید و بالاخره در قسمت ششم به نتیجه‌گیری نوشتار می‌پردازد.

دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصطلاح نسبتاً جدیدی است که به‌رغم حمل مفهوم «سازنده‌بودن»، می‌تواند معنا و مفهومی متفاوت از آن نتیجه‌گیری شود. موضع مثال کاربرد این اصطلاح در مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در افغانستان است. (۳)

راستای تحلیلی نوشتار حاضر با اتخاذ موضعی «برد - برد» برای تمام طرف‌های درگیر در موضوع افغانستان، بر حل سازنده منازعه در این کشور تأکید دارد. بنابراین نوشتار حاضر در این قسمت می‌کوشد تا یک چارچوب منطقی را قبل از ورود به کاربرد دکترین تعامل سازنده در بحث افغانستان، برای این مفهوم ذکر نماید. در یک نگاه اولیه تعامل سازنده می‌تواند از نظر روش‌شناسی دارای ویژگی‌های زیر باشد:

الف) تعامل سازنده فرایندی است مرتبط با «یادگیری» و نه «آموزش»^(۴)، آموزش فرایندی است که به صورت یک‌طرفه دریافت می‌شود. اما یادگیری فرایندی است که در آن فرد و یا موضوع با محیط پیرامونش وارد داد و ستد و تعامل می‌شود. عناصر متنوع کمک‌کننده به فرایند یادگیری نه تنها رویهم تأثیر و تأثر دارند که یک «بوم‌شناسی یادگیری»^۱ را تشکیل می‌دهند و توجه به همین محیط پیرامونی و جذب داده‌های حقیقی آن با یکدیگر است که فلسفه نیاز به درک تعامل سازنده را به‌منظور مقابله با محیط‌های بحرانی فراروی ترسیم نموده و در نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات ما را اساساً متحول نماید.

بنابراین «محیط کاری» و «محیط فرهنگی» دو وجه قابل توجه در هر تجزیه و تحلیلی پیرامون یک فرایند تعامل سازنده می‌باشند. اما باید توجه داشت که یادگیری ما درخصوص این امر که چگونه به مقابله با یک منازعه برخیزیم و یا در پی ایجاد صلح باشیم، تابعی از دو بُعد «معرفتی» و «احساسی» ما از محیط پیرامون است. اهمیت بُعد معرفتی به کنار، این بعد احساسی است که جایگاه ویژه‌ای به خود می‌گیرد. زیرا احساسات ما به تبع سیستم ارزشی که

به آن تعلق داریم و طرز فکری که درباره جهان و اطرافیان خود داریم، متعین می‌شود. بنابراین چالش اساسی در این بخش به ارزش‌های اخلاقی و پیشینه‌ها و موانع تاریخی آن برمی‌گردد و بر هم زدن آن البته تلاش ویژه روشنفکرانه‌ای را طلب می‌کند.

ب) سخن از تعامل سازنده وقتی معنادار است که در پس زمینه بحث، «منازعه» و یا «بحرانی» مقدر باشد. در واقع اتخاذ روش تعامل سازنده در مواجهه با منازعه است که معنا و مفهوم می‌یابد در غیر این صورت تعاملات طبیعی بشر در حالت طبیعی و بلندمدت^۱ آن انتظار نمی‌رود و جهی غیرسازنده و یا مخرب به خود بگیرند.

ج) فرایند تعامل سازنده با موضوع «سرمایه اجتماعی»^۲ در محیط انسانی ارتباط نزدیکی می‌یابد. زیرا برخورداری از سرمایه اجتماعی در واقع برخورداری از فرایندی در تعامل اجتماعی است که در نهایت نتایجی سازنده^(۵) را به بار می‌نشانند.

د) در تعامل سازنده به نظر می‌رسد^(۶) مفاهیمی چون «همکاری»، «در بر گرفتن»^۳ و «بهره‌وری» اهمیت کلیدی می‌یابند. به عبارت دیگر، یک رویکرد مبتنی بر تعامل سازنده نمی‌تواند از ویژگی مبتنی بودن بر اصل «همکاری» در بین آحاد انسانی مرتبط با یک موضوع بی‌بهره باشد. به همین ترتیب نمی‌تواند از اصل «در بر گرفتن» آحاد انسانی بی‌نیاز بوده و در نهایت به افزایش «بهره‌وری» در محیط کاری و محیط فرهنگی پیرامون خود بی‌توجه باشد.

ه) یک رویکرد مبتنی بر تعامل سازنده از مقوله استراتژی‌های «برد - برد» و بازی‌های همکارانه است و نه از مقوله استراتژی‌های «برد - باخت» و بازی‌های رقابتی.

بنابراین با این پیش فرض که دکترین تعامل سازنده مورد بحث این گفتار در سیاست خارجی بر ویژگی‌های برشمرده و نظایر آن مبتنی است، اکنون باید دید که چگونه محیط سیاست خارجی ایران - تا آنجا که به موضوع رابطه با افغانستان مربوط است - می‌تواند توصیه‌ای سیاستی را فراروی موضوع پناهجویان افغانی ترسیم نماید.

نگاه آمریکا به فعالیت و حضور دولت ایران در افغانستان

به‌رغم رفتار و لحن خصومت‌آمیز دو دولت ایران و آمریکا نسبت به یکدیگر در سیاست خارجی‌شان در بخش‌های مهمی از آنچه به نظم بین‌المللی مربوط می‌شود، قرائن قطعی نشان‌گر آن نیست که دولت آمریکا نسبت به ادامه حضور و فعالیت دولت جمهوری اسلامی ایران در افغانستان تحفظ جدی داشته باشد. دلیل این مدعا به ژنتیک نهفته در همسایگی و همجواری بازمی‌گردد. حتی قبل از حمله دولت آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و بلافاصله پس از رخداد یازدهم سپتامبر که آمریکا بیان را به نقطه جوش عصبانیت و ناراحتی نسبت به حرکت‌های ضدآمریکایی نهفته در آن روزهای جهان و به‌خصوص فاجعه مورد حمله قرار گرفتن برج‌های تجاری آمریکا در نیویورک رسانیده بود، آنان از حضور ایران در افغانستان به عنوان بخشی از ژنتیک^(۷) منطقه یاد می‌نمودند.

با این استدلال، در واقع دولت آمریکا در پی ارسال این پیام به مردم خود بود که صرف‌نظر از نحوه تفکر آنان نسبت به ایرانیان، مخالفت با حضور و فعالیت ایرانیان در افغانستان نوعی مخالفت با یک امر طبیعی و ژنتیکی بوده که برای آنان در نهایت هیچ بهره‌ای را جز بالابردن هزینه اقدامات بازدارنده‌شان در پی نخواهد داشت. همسایگی دو کشور ایران و افغانستان، تاریخ، زبان و فرهنگ مشترک، کثرت دامنه حضور پناهندگان افغانی در ایران و تعاملات پیوسته و ممتد دولت ایران با گروه‌ها و دسته‌های قدرت در افغانستان، گوشه‌ای از ارتباط ژنتیکی دو کشور را با یکدیگر به نمایش می‌گذارد که آمریکا بیان هرگونه تلاش در راستای نادیده گرفتن و یا مخالفت با آن را عملاً بی‌فایده می‌دیدند.

با این حال، ممکن است در عمل و از سال ۲۰۰۱ تاکنون، شواهدی پراکنده یافت شود که نشان دهد آمریکا بیان نسبت به محدودکردن دامنه اقدامات دولت ایران در افغانستان در مواردی کوشیده‌اند. به هر حال دولت جمهوری اسلامی ایران با نادیده گرفتن چنان اتفاقات احتمالی و ناپیوسته‌ای و با در پیش گرفتن نقشی متوازن و ماهیتاً بیشتر متمایل به تجارت و اقتصاد تا امنیت و سیاست، نباید به خود تردید راه دهد که فعالیت و ادامه حضورش در

افغانستان منطقی نمی‌تواند مورد منازعه و دشمنی آمریکاییان در میان مدت و بلندمدت باشد. مگر آنکه عدم انعطاف ایران در سایر زمینه‌ها و نیز در تعاملات جهانی نسبت به آمریکا به گونه‌ای ارزیابی شود که از منظر آمریکایی‌ها و متحدان آن مزایای بلندمدت ناشی از نادیده گرفتن پیوند ژنتیکی مورد اشاره بر هزینه‌های گران کوتاه مدت آن بچرید.

بنابراین، از این نگاه ایران باید تعاملات جهانی خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که نامعادله فوق به ضررش سنگین نشود. گرچه نیم نگاهی به برخی آموشدها در یکی دو سال اخیر در سطح منطقه ممکن است علائم خطرناکی را در این خصوص نمایان سازد.^(۸)

عدم توازن در سیاست خارجی افغانستان

به نظر می‌رسد بیش از آنکه از بابت خصومت احتمالی آمریکاییان نسبت به گسترش نفوذ و حضور معنوی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان بخواهد بیمی وجود داشته باشد، این بیم ممکن است از ناحیه سیاست خارجی نادرست دولت افغانستان نسبت به برخورد با همسایگانش حس شود. به عبارت دیگر، صرف نظر از چگونگی موضع دولت آمریکا نسبت به نفوذ ایران در افغانستان، این دولت افغانستان است که با در پیش گرفتن یک سیاست خارجی نامتوازن و غیرواقع‌بینانه سد راه کمک ایران به بازسازی افغانستان شده است. سخنرانی‌های حامد کرزای رئیس جمهور و وزیر خارجه افغانستان، دادر اسپنتا، تاکنون به طور نامتوازی تأکید و تکیه اساسی را بر نقشی مبذول داشته اند که جامعه بین‌المللی به رهبری آمریکا می‌تواند در سازندگی و رشد و توسعه افغانستان ایفا نمایند.^(۹) در اینکه آمریکا و متحدان آن در جامعه بین‌المللی در تلاش باشند تا سطح رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی افغانستان را به حد قابل قبولی ارتقا داده و آن را در نهایت تا حد یک کشور توسعه یافته یاری رسانند، منطقی و به‌رغم تردیدهای برخی صاحب‌نظران، انتظاری جز این نمی‌توان داشت. اما آنچه در آن جای تردید جدی وجود دارد از سویی محدودیت‌های ابزاری و مکانیسمی است که این دولت‌ها در جهت کمک به رشد و توسعه افغانستان با آن مواجهند و از سوی دیگر از نگاه

نادرست راهبردی افغانستان نسبت به موضوع و اصطلاحاً قراردادن همه تخم مرغ‌هایش در سبد غربیان ناشی می‌شود.

جامعه بین‌المللی حتی در بهترین وضعیت، صادقانه‌ترین سناریو و در جهانی رؤیایی اگر بتواند پول و مهارت فنی لازم را جهت سازندگی در اختیار دولت افغانستان قرار دهد، در آن صورت چنین پول و مهارتی را چه کسی باید در افغانستان بکار گیرد؟ بنظر می‌رسد سطح زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی افغانستان تا بدان پایه ضعیف است که از نظر روش‌شناسی بدون یک عامل و حلقه وصل میانی مانند ایران، چنان پول و مهارتی - بر فرض وجود هم - قادر نخواهد بود چهره افغانستان را به آن میزان و با آن حد از نرخ رشد که مطلوب است به سوی وضعیت بهتر سوق دهد.

فاجعه مضاعف البته وقتی رخ خواهد داد که پیشقراولان جامعه بین‌المللی در افغانستان یعنی دولت آمریکا و متحدان آن به دنبال فروکش نمودن موج خشم و غضبشان نسبت به آنچه آن را بنیادگرایی مخرب و ضدآمریکایی می‌نامند، تصمیم بگیرند از افغانستان خارج شده و یا به حضوری محدود و مبنی بر پیشبرد محور و یا نیت خاصی در رابطه با اهداف سیاست خارجی خود بسنده نمایند. در آن صورت، دولت افغانستان چگونه رشد و توسعه اقتصادی خود را بدون معاضدت و همیاری همسایه قدرتمند غربی خود به پیش خواهد برد؟

دو سال پیش شایع شد که حامد کرزای رئیس‌جمهور افغانستان سفر خود به تهران را به دنبال بالاگرفتن مناقشه ایران و ایالات متحده آمریکا و در نتیجه فشارهای وارده به کرزای به تعویق انداخته است.^(۱۰) روشن است که چنین شایعه‌ای در صورت صحت برای دولت افغانستان رکوردی شرم‌آور را به ثبت رسانده است، حتی اگر هم افغان‌ها به شکلی مراتب عذرخواهی خود را اعلام نموده باشند.^(۱۱) به نظر می‌رسد افغان‌ها در دوره پس از لشکرکشی آمریکا به این کشور در دامی که می‌توان آن را «دام ناشی از تخیل جهان‌گرایی»^۱ نامید، گرفتار

آمده‌اند. این وضع جدای از نگاه آرمانی و یا تعهد اخلاقی برخی چهره‌های رهبری دولت افغانستان به آمریکا به عنوان کشوری منجی، ممکن است از کیفیت بدنه دیوان‌سالاری آن کشور که رتق و فتق امور سیاست خارجی را در دست دارند، ناشی شده باشد. بی‌تردید فقر نیروی انسانی تربیت شده بومی که به اوزان نسبی اهمیت کشورهای همسایه و منطقه آگاه باشد، ممکن است دولت را به سوی استخدام نیروهای کم تجربه و به‌طور عمده دانش‌آموختگان غرب سوق داده باشد که با نومییدی بیشتر در پرونده شخصی خود جز عشق‌ورزی و غرق‌بودن در ابهت غرب و گذرانیدن چند واحد درسی نیم‌پند و یا ناتمام دستاورد دیگری را نداشته باشند. حامد کرزای^(۱۲) رئیس‌جمهور گاهی آنچنان درباره پیشبرد اهداف جهان‌گرایانه جامعه بین‌الملل به رهبری آمریکا و غرب در افغانستان سخن می‌گوید که گویی نه تنها رییس‌جمهوری است برخاسته از کشوری با سطح متعالی از رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی که تمام قدرت‌مندان جامعه جهانی را در افغانستان به صف آورده تا با سرعتی سرسام‌آور رشد و توسعه این کشور را رقم زده و یک بار برای همیشه آن کشور را از شر ناامنی ناشی از تروریسم و القاعده در جهان رهایی دهند.

این در حالی است که با گذشت بیش از هفت سال از حضور جامعه جهانی به رهبری آمریکا در افغانستان، وجود ناامنی و رشد افکار متمایل به طالبان در چهار ایالت جنوبی این کشور رو به رشد گذاشته^(۱۳) و دولت افغانستان نتوانسته رشد محسوسی را در سطح استانداردهای اجتماعی و اقتصادی کشور ایجاد نماید. سطح سرانه درآمد ملی^(۱۴) تنها از رقم ۱۵۰ دلار به ۳۵۰ دلار بنا به گفته وزیر امور خارجه آن کشور تغییر یافته است که این عدد با هر نوع مقایسه جهانی هنوز عددی ناچیز بشمار می‌رود.

بنابراین جا دارد تا دولت افغانستان سیاست خارجی خود را مورد بازبینی قرار دهد. در حالی که آمریکاییان به افغانستان آمده‌اند تا دولت را در آن کشور از زمره «دولت‌های شکست‌خورده» خارج ساخته و با برقراری نظم و انضباط، خلأ مورد سوءاستفاده گروه‌های تندروی تروریستی را پر نمایند، دولت افغانستان به جای بهره‌گیری از چنین شرایط و بستری و

به جای تمرکز بر ایجاد بنیادهای ساختاری اقتصادی، اجتماعی لازم براساس آنچه ژنتیک افغانستان دیکته می‌کند و به جای قدرتمندساختن افغان‌ها در پیشبرد چرخ توسعه این کشور، چشم به راه خلق معجزه‌ای خارق‌العاده در رابطه با سازندگی از سوی جامعه بین‌المللی و میثاق‌های مادی آنان است.

واقعیت آنست که دولت افغانستان به جای چنان ژست جهان‌گرایانه و اساساً غیر مبتنی بر مزیت‌های نسبی ژئوپولیتیکی، بهتر است با نگاهی واقع‌بینانه به پیرامون خود درصدد رشد و توسعه کشور از طرقی مقرون به صرفه، عملی و معقول برآید. جمهوری اسلامی ایران و نیروی کار افغانی مقیم ایران در این ارتباط می‌توانند در صدر اولویت‌های راهبردی برای توسعه افغانستان باشند بی آنکه مخالفتی جدی از سوی آمریکایی‌ها در پی آید و بر فرض مخالفت، اتخاذ یک دیپلماسی فعال، صادق و واقع‌بین خواهد توانست آن مخالفت‌ها را نقش بر آب سازد.

به‌عنوان مثال دولت افغانستان می‌تواند از جامعه بین‌المللی و کشورهای علاقمند به کمک بخواهد تا در چارچوبی دو و یا چندجانبه به تأمین مالی، ارائه کمک‌های فنی و یا مشارکت در ساخت طرح‌های عمرانی با ایران و یا کشوری ثالث در افغانستان وارد عمل شوند. دولت ایران نیز در چارچوب شرکت‌های جدیدالتأسیس خدمات فنی - مهندسی در افغانستان و متناسب با وضعیت بازار کار بومی آن کشور به صورت مستقل و یا مشترک از نظر مالی و فنی مهندسی به کمک نیروهای تحصیل‌کرده و آموزش‌یافته به‌طور عمده متشکل از پناهندگان افغانی به انجام پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای در افغانستان مبادرت ورزد.

تنها در این صورت است که ایران از ادامه حضور پناهندگان افغانی در این کشور به صورت یک فرصت و نه یک تهدید در منافع ملی بهره‌مند خواهد شد. روشن است که بدون به‌کارگیری یک دیپلماسی فشرده و مؤثر از سوی دولت افغانستان در بین دولت‌های همسایه و دوست، جذب منابع مالی مورد نیاز انجام پروژه‌های توسعه‌ای مشترک امکان‌پذیر نخواهد شد. اقدامات مستقل دولت‌های کمک‌کننده در افغانستان که غالباً از طریق به‌کارگیری

نیروهای آموزش یافته خارجی و آن هم با استانداردهای بین‌المللی انجام می‌شود، ضمن آنکه به لحاظ میزان و حجم در حدی نیست که بتواند جهش توسعه‌ای در افغانستان پدید آورد، غالباً از نظر اقتصادی پرهزینه بوده و معلوم نیست تا چه حد با ساختار فرهنگ بومی و تاریخ آن کشور سازگار باشد.

ایران، تعامل سازنده و صادرات خدمات فنی و مهندسی به افغانستان

تا آنجا که امر رشد و توسعه اقتصادی افغانستان به ایران مربوط می‌شود، جمهوری اسلامی ایران پنج نیاز عمده را می‌تواند در چارچوب نگاه توسعه‌ای خود به افغانستان تعقیب نماید:

الف) از نظر تئوری پردازی سیاسی در دوره دولت نهم انتظار می‌رود جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دکترین تعامل سازنده در روابط خارجی و به‌خصوص در رابطه با دولت‌های مسلط جهان بر حضور مقتدرانه و انتقادی در عین حال تعامل‌جو و سازنده در صحنه جهانی بیفزاید. حضور فعالانه و قوی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان می‌تواند به ارتقای دکترین فوق در سطح منطقه و نیز جهان کمک نماید. روشن است که به تدریج و از لابلای افزایش فعالیت‌های عمرانی و سازنده اقتصادی ایران در افغانستان، تعاملی سازنده با قدرت‌های جهانی حاضر در صحنه افغانستان پدید آمده و طرفین شناخت واقع‌بینانه‌تری را نسبت به نیت‌ها و اهداف بلندمدت یکدیگر پیدا خواهند نمود. این شناخت می‌تواند به نحو متزایدی تنش‌ها و نگاه‌های سوءظن برانگیز طرف‌های مسأله را در جاهای دیگر جهان و در آنچه به روابط بین این دولت‌ها و جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود، کاهش دهد.

ب) جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از انبوهی جمعیت جوان و تحصیلکرده، از مازاد قابل توجه خدمات فنی و مهندسی سامان یافته و یا نیمه‌سامان یافته برخوردار است. این مازاد نیرو در شرایطی که انگیزه لازم و منابع مالی کافی برای سازماندهی، تجهیز و به کارگیری آن وجود نداشته باشد، نه تنها یک فرصت سوزی بزرگ را دامن زده که به تدریج یکی از معضلات بزرگ اجتماعی ایران را در گذر زمان نمو خواهد داد.

از این فراتر در حال حاضر تعداد قابل توجهی از پناهندگان افغانی در ایران هستند که با برخورداری از مزایای تحصیلی در دانشگاه‌ها و مدارس ایرانی توانسته‌اند به سطح قابل قبولی از دانش فنی و مهندسی مجهز شوند. این جمعیت در کنار برادران ایرانی خود می‌توانند نیروی کار متخصص مورد نیاز کشور افغانستان را در این برهه حساس زمانی در قالب صدور خدمات فنی و مهندسی به افغانستان تشکیل دهند.

به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که در هرم نیروی کار به کار گرفته شده در شرکت‌های صادرات خدمات فنی و مهندسی ایرانی به افغانستان، در بالاترین سطح مهندسان و متخصصان ایرانی زبده، در سطوح میانی مهندسان و متخصصان افغانی و در سطوح پایینی نیروی کار ماهر و ساده افغانی متشکل از پناهندگان آن کشور به جمهوری اسلامی ایران حضور خواهند داشت. نیروی کار ماهر افغانی با برخورداری از استعداد یادگیری بالا، قدرت فیزیکی، سخت کوشی و حس وطن‌پرستی بالا می‌تواند یکی از ارابه‌های سازندگی اقتصادی و درآمدزایی در ایران و افغانستان به حساب آید. از سوی دیگر شکست در سامان‌دهی نیروی کار ساده افغانی و رها نمودن آن به حال خود در ایران، متأسفانه به دلیل رشد و نمو آن در بستر تاریخی ناامن، غیرقانون‌مند و تاحدی آغشته به قساوت، خشونت و جرم و جنایت می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین عوامل ناامن‌کننده جامعه ایران در بلندمدت به حساب آید. بنابراین به حکم عقل، تصمیم‌گیران ایرانی باید در راستای بهره‌برداری از احساسات پاک این جمعیت محروم مادی، به‌طور توأمان با اتخاذ سیاست‌های دربرگیرنده و نه حذف‌کننده، در مسیر رشد و تعالی دو جامعه ایران و افغانستان و حتی همگرایی بلندمدت این دو جامعه گام بردارند.

ج) جمهوری اسلامی ایران اخیراً در راستای اجرایی نمودن ابلاغیه مقام معظم رهبری پیرامون ارائه تفسیری سازنده از اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی‌سازی انبوه را شروع نموده است. این در حالی است که خصوصی‌سازی در بنگاه‌های دولتی هنوز با چالش و موانع جدی روبه‌رو بوده و کمتر می‌توان به موفقیت آن در کوتاه مدت چشم دوخت. با این توصیف، به نظر می‌رسد ایجاد بنگاه‌های خصوصی در امر صدور خدمات فنی و مهندسی امری

سهل الوصول و یاری رسان به پروژه فوق باشد. به کارگیری این‌گونه بنگاه‌ها در افغانستان که از سوی بخش خصوصی دو کشور اداره خواهد شد، می‌تواند یک راه‌حل مؤثر باشد.

د) رفتار توأم با حد متزایدی از غرور ملی و استعداد بالا در ایرانیان به نظر می‌رسد در پرتو سفر به خارج از مرزهای ایران بهتر خواهد توانست به سطح مطلوبی از بالندگی، همکاری و هماهنگی دست‌یافته و در مراجعت به کشور، روح انضباط کاری و اقتصادی را گسترش داده به توسعه کشور کمک نماید. این روحیه عاطفی و پرشور بدون دسترسی به خارج از کشور ممکن است با بازآفرینی رفتار اجتماعی و اداری حاکم بر دوره قاجار، ترویج چاپلوسی، تظاهر به اطاعت از مافوق، کتمان جزئی و یا کلی حقیقت در گزارش به مافوق^(۱۵) محافظه‌کاری و در اولویت قراردادن سود شخصی در مقابل سود جمعی و ملی را بیش از پیش اشاعه دهد. خوشبختانه انقلاب اسلامی^(۱۶) با افزایش سطح و کیفیت سرمایه اجتماعی با الهام از مبانی ناب اسلام، سد راه گسترش رفتار فوق شد. گرچه نیاز به ممارست در حفظ آن دستاورد بزرگ اینک بیش از هر زمان دیگر حس می‌شود.

ه) جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر با انبوهی از جمعیت پناهنده افغانی که برخی از آنان حتی در ایران متولد شده، در مدارس و دانشگاه‌های ایرانی تحصیل کرده و گاهی حتی براساس نوع پوشش ظاهری و آوای کلامی قابل تمیز از برادران و خواهران ایرانی خود نیستند، مواجه است. درست است که دولت ایران به روش‌های تشویق‌کننده‌ای نسبت به بازگشت این جمعیت جوان و مملو از عشق و امید به آینده به کشورشان روی آورده، با این حال آمارها نشان‌گر آنست که افغان‌ها پس از حتی بازگشت اجباری به کشورشان در صددند تا مجدداً به ایران وارد شوند. اختلاف سطح رفاه در دو کشور و عادت گذشته آنان به زندگی مادی راحت‌تر در ایران در مقایسه با افغانستان، عاملی است که در کنار سایر عوامل، حصول موفقیت در استراتژی مورد اشاره دولت جمهوری اسلامی ایران را با تردید جدی مواجه می‌نماید. بنابراین بهتر است دولت با تجدیدنظر در سیاست‌های خود و در پیش گرفتن رویکرد اقتصادی پیشنهادی این نوشتار و تأسیس شرکت‌های صادرات خدمات فنی و

مهندسی در افغانستان به کمک تأمین مالی کشورهای مشابه افغانستان و نیز خود، ناامنی ذهنی پناهندگان افغانی نسبت به ادامه اقامت در ایران را برای همیشه برطرف سازد. طبق این مدل، اجازه ادامه حضور افغانه در ایران با مفید بودن آنان در راستای پیشبرد راهبرد خدمات فنی و مهندسی، تجارت و کشاورزی ایران در افغانستان پیوند می خورد.

و) دولت جمهوری اسلامی ایران قاعداً باید به خاطر داشته باشد که ممکن است تحولات غیرقابل پیش‌بینی در عرصه بین‌المللی، قدرت‌های غربی و پیشاپیش آنان آمریکا را از ادامه حضور فعال و جامع در افغانستان متصرف نماید. در آن صورت یک افغانستان توسعه نیافته، ناامن و عملاً گرفتار در چنگال مافیای گسترش عرضه و تولید موادمخدر آن هم در مقیاس جهانی، تا چه حد در همسایگی جمهوری اسلامی ایران قابل تحمل خواهد بود؟ بنابراین در عین آنکه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی افغانستان و همراهی با قدرت‌های خارجی حاضر در آن کشور یک اولویت بالا برای افغان‌ها و دولت این کشور است، نمی‌تواند در فهرست اولویت‌های مهم جمهوری اسلامی ایران جای نداشته باشد. این بدان معناست که دولت جمهوری اسلامی ایران باید با اقتدار کامل و به‌کارگیری همه توان و نیروی سازنده خود در جهت رشد و توسعه اقتصادی افغانستان که از قضا در این نوشتار با رشد و توسعه اقتصادی ایران هم راستا در آمد، بکوشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

در این نوشتار با انتقاد از موضع بیش از حد جهان‌گرایانه و غیرواقعیانه دولت افغانستان، تأکید شد که بهتر است دولت افغانستان به جای تنها چشم‌امید به اقدامات جامعه بین‌المللی دوختن و تکرار تقلیدگونه مواضع قدرت‌های مسلط جهانی به خصوص آمریکا، نگاهی به اطراف خود داشته و درصدد جذب توانمندی‌های کشور ایران در امر بازسازی و سازندگی افغانستان برآید. اتخاذ یک دیپلماسی فعال در جهت جذب منابع مالی از کشورهای دوست برای انجام طرح‌های توسعه‌ای این کشور به کمک ایران و پناهندگان افغانی مقیم ایران یک توصیه سیاستی این نوشتار است.

همچنین نوشتار حاضر از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد تا به جای موضعی حذف‌کننده در قبال جمعیت انبوه پناهندگان افغانی مقیم ایران، موضعی دربرگیرنده و سازنده در پیش گرفته و به تشکیل شرکت‌های صادرات خدمات فنی و مهندسی و نیز تجاری و کشاورزی در افغانستان از طریق جذب و سازمان‌دهی پناهندگان افغانی مقیم ایران اقدام نموده و ادامه حضور و برخورداری از مزایای شهروندی آنان را با میزان موفقیت در ارائه خدمات برجسته و دلسوزی و ایثار در بازسازی افغانستان آن هم در چارچوب ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی ایران مرتبط سازد.

پیداست در این چارچوب، نگاه دولت جمهوری اسلامی ایران به پناهندگان افغانی از ماهیتی امنیتی - سیاسی و در عین حال نگران‌کننده به نگاهی اقتصادی و فرصت ساز تغییر می‌کند و به تدریج انتظار می‌رود از میزان حساسیت قدرت‌های غربی نسبت به حضور و فعالیت ایران در افغانستان از طریق به کارگیری بخش خصوص دو کشور و پیشبرد بازسازی افغانستان کاسته شود.

جدای از تأثیرات سازنده سیاست پیشنهادی فوق برای کاهش منازعه و بحران در افغانستان و کمک به حل معتبر و پایای مشکل ناشی از ادامه حضور پناهندگان افغانی در ایران، چنین سیاستی به تعامل سازنده ایران با کشورهای دخیل در امر بازسازی افغانستان کمک نموده و تنش‌زدایی مؤثری را در رابطه با آمریکا در پی خواهد آورد.

منابع

۱. این درخواست از سوی ایران به شکل موافقت با اخراج ملایم تر افغانی ها در ملاقات آقای صفری معاون وزیر خارجه ایران با کرزای رییس جمهور افغانستان در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ مورد اجابت قرار گرفت. رجوع شود به:

"Iran To Slow Down Expulsion Of Illegal Afghan Residents", Radio Free Europe / Radio Liberty at: http://www.afghanistannewscenter.com/news/2007/may/may_152007.html#10

۲. در واقع چارچوب نظری که در اینجا به طور ضمنی در نظر گرفته شده، چارچوب نظریه بازی هاست که براساس آن بازیگران در یک بازی اجتماعی به موجب انتظاراتی که از یکدیگر دارند، حرکت های آینده خود در بازی را تنظیم می نمایند. به این ترتیب، تعادل بازی حالتی خواهد بود که هر بازیگر مشخصاً می داند چه حرکتی را در هر مرحله از بازی باید انجام دهد و به نفع خود البته نمی بیند که از مسیر پیش بینی شده (تعادلی) تخطی حاصل نماید. به طور مشخص، در قالب یک بازی معمای زندانی اینکه بازیگران تعادل نش (Nash Equilibrium) را بازی کنند و با تعادل دیگری را که نتیجه ای بهتر در پی داشته باشند، تابعی از انتظارات متقابل آنان از یکدیگر در قالب یک بازی یا تکرار به تعداد نامحدود خواهد بود.

۳. به عنوان مثال مراجعه شود به: محمدی، منوچهر و ابراهیم، منتقی (۱۳۸۵)، دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور، بخش پنجم: تهدیدات ناشی از هژمونیک گرایی آمریکا، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۷۷۸۷، (۱۸ خرداد)، ص. ۶.

۴. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

<http://www.learndev.org/ppt/AERA2000/sld005.htm>

۵. رجوع شود به:

Zhou Min and Carl L. Bankston, Growing Up American: How Vietnamese Children Adapt to: Life in the United States, (1998).

۶. رجوع شود به:

Bilimoria, Diana and Greer C. Jordan, A Good Place to do Science: A Case Study of an Academic Science Department: <http://www.case.edu/admin/aces>.

۷. این برداشت نگارنده از مشاهده اخبار و موضع‌گیری‌هایی ناشی می‌شود که از شبکه‌های C-SPAN آمریکا در دوره زمانی بلافاصله پس از رخداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ توسط مسؤولان آمریکایی اتخاذ می‌شد. همچنین توجه به سخنان تام کوئینگ نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور افغانستان در تاریخ ۲۷ آوریل ۲۰۰۶ در این باره خالی از لطف نیست:

http://www.unama-afg.org/news/_pc/_english/2006/06apr27-SRSG.htm

۸. به عنوان مثال در تاریخ چهارم ژوئن ۲۰۰۷ وزیر دفاع آمریکا که در کنار حامد کرزای در یک مصاحبه مطبوعاتی در افغانستان شرکت نموده بود، ایران را متهم نمود که سلاح‌های ساخته شده ایران در دست جنگجویان طالبان بر ضد افغانستان قرار دارد. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

<http://www.adelphia.net/news/read.php?id=13743223&ps=>

1012&lang=en&_LT=HOME_

WLNWCO1L3_ UNNEWS

۹. به عنوان مثال مراجعه شود به متن سخنرانی حامد کرزای در شصت و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ که در لینک زیر قابل رجوع است:

http://www.president.gov.af/english/statements_press_releases/

StatementAtThe61 stUNGA.mspix

و نیز تحلیل کمک‌های جامعه بین‌المللی به افغانستان و اظهارات رئیس‌جمهور این کشور در آن باره در آدرس زیر:

Analysis: How Solid is the New "Afghanistan Compact?", in Radio Free Europe at:

http://www.rferl.org/featuresarticle/2006/02/421_fcd0a-07_a6-4eb9-bd05-c103f7e650fa.html

۱۰. بیانیه مطبوعاتی کاخ ریاست جمهوری افغانستان در تاریخ شانزدهم ژانویه ۲۰۰۶ در لینک زیر قابل توجه است:

http://www.president.gov.af/english/statements_press_releases/16_jan_06.msp

۱۱. این سفر به هر حال در تاریخ ششم خرداد ۱۳۸۵ مطابق با ۲۷ ماه مه ۲۰۰۶ صورت گرفت. در این سفر که ۹ وزیر افغانی کرزای را همراهی می‌کردند، وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران در فرودگاه مهرآباد به استقبال وی رفت. مراجعه شود به صفحه خانه انگلیسی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در آدرس زیر:

http://209.85.129.104/search?q=cache:gDuFILXPI-oJ:english.trib.ir/NEWS/newsap2004/2006/twentyseven.htm+karzai+trip+to+tehran+in+2006&hl=en&ct=clnk&cd=20&lr=lang_en

۱۲. جالب است که کرزای نیز در قالب محقق یکی دو سال قبل از حمله آمریکا به افغانستان از آمریکا دیدن داشته است.

۱۳. مراجعه شود به:

<http://www.answers.com/topic/taliban-militia>

۱۴. این رقم براساس ضابطه PPP برای سال ۲۰۰۶ معادل ۸۰۰ دلار اعلام شده است. با این حال صفحه خانه‌های الکترونیکی زیر آن را برای سال ۲۰۰۳ معادل ۱۶۰ دلار و برای سال ۲۰۰۵ معادل ۳۳۵ دلار اعلام نموده‌اند:

[http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_GDP_\(nomina\)_per_capita](http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_GDP_(nomina)_per_capita)

http://encarta.msn.com/fact_631504708/Afghanistan_Facts_and_Figures.html

۱۵. مواجهه کلامی بین محمدجواد لاریجانی، معاون سابق وزارت امور خارجه و علی اکبر ولایتی، وزیر سابق خارجه که در روزنامه شرق انتشار یافته، گوشه‌هایی از اخلاق بوروکراتیک فوق را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

۱۶. شرح مفصلی از جگونگی روند سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران در اثر زیر آمده است:
متوسلی، محمود و علی بی نیاز (۱۳۸۱)، تنزل سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، مجله برنامه و بودجه، (زمستان).



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني